

مشاوره گروهی و هویت شخصی و سلامت

اثربخشی مشاوره گروهی با رویکرد واقعیت درمانی بر هویت شخصی و سلامت عمومی دانش آموزان

فاطمه فرهادی

کارشناس ارشد روانشناسی عمومی

ناهد احمدی

کارشناس ارشد مشاوره و راهنمایی

مقدمه

توجه کافی و عشق ورزیدن به نوجوانان، برای سلامت روانی و رشد آن‌ها بسیار با اهمیت است. بعضی از افراد در برهه‌هایی از دوران زندگی خود، به‌ویژه دوران نوجوانی از دریافت عشق، محبت،

چکیده

این پژوهش، اثربخشی مشاوره گروهی با رویکرد واقعیت‌درمانی را بر آن دسته از دانش‌آموزانی مطالعه کرده است که براساس پیش‌آزمون از نظر سلامت عمومی وضعیت چندان مطلوبی نداشته‌اند و به بحران هویت دچار بوده‌اند. دانش‌آموزان با شرکت در جلسات گروهی و بحث درباره مسائل اساسی زندگی همچون تحصیل، شغل، هویت جنسی، برنامه‌ریزی و هدفمندی به‌سوی دستیابی به یک هویت موفق و سلامت روان که نتیجه آن موفقیت در امر تحصیل است، رهنمون شدند.

۳۴ آزمودنی این پژوهش به‌گونه تصادفی از میان دانش‌آموزان دختر هنرستان‌ها انتخاب شدند. این آزمودنی‌ها براساس پرسش‌نامه هویت شخصی، بحران هویت بالایی را نشان می‌دادند. این در حالی است که براساس پرسش‌نامه سلامت عمومی نیز سلامت روان آنان در وضعیت مناسبی قرار نداشت. این نمونه با استفاده از روش زوج - فرد در گروه‌های آزمایش و کنترل قرار گرفتند. گروه‌های آزمایش در ۱۰ جلسه متوالی ۹۰ دقیقه‌ای مشاوره گروهی شرکت کردند. در پایان جلسات همه گروه‌ها (کنترل و آزمایش) به پرسش‌نامه‌های بحران هویت و سلامت عمومی به‌عنوان پس‌آزمون پاسخ دادند.

به منظور تجزیه و تحلیل داده‌های به‌دست آمده از پیش و پس‌آزمون‌های گروه‌ها، و از آنجا که بیش از دو گروه آزمایش تحت تأثیر متغیر مستقل قرار گرفت، از آزمون آماری تحلیل واریانس استفاده شد. براساس یافته‌های حاصل، هر دو فرضیه این پژوهش تأیید شدند. این بدان معناست که: مشاوره گروهی با رویکرد واقعیت‌درمانی بر بحران هویت و سلامت عمومی دانش‌آموزان دختر هنرستانی مؤثر بوده و به‌گونه‌ای معنادار بحران هویت را کاهش داده و باعث بهبود سلامت عمومی آنان شده است.

کلیدواژه‌ها: بحران هویت، سلامت عمومی



انضباط و توجه کافی و صمیمانه دیگران به خصوص معلمان و مربیان خود محروم بوده‌اند، لذا مسئولیتی را نمی‌پذیرند و به همین دلیل در طول زندگی از آشفته‌گی نقش رنج می‌برند (گلاس، ۱۳۷۹). این آشفته‌گی می‌تواند موجب کاهش عزت نفس نوجوان شود؛ در نتیجه، استقلال اخلاقی او رشد نیافته می‌ماند، احساس مسئولیت در مقابل زندگی و مسائل آن را دشوار می‌یابد؛ به لحاظ فکری نامنظم می‌شود؛ مستعد گرایش به مواد مخدر و اعتیاد می‌شود و در دوستی و همنوایی با جماعت، ناپایدار و سست عهد می‌ماند (ربانی، ۱۳۸۱). برای اینکه فرد به هویت موفق دست پیدا کند، باید از احساس ارزشمند بودن و دوست داشتن و دوست داشته شدن برخوردار باشد. ایجاد این دو احساس در وهله اول وظیفه خانواده است و در وهله دوم مدرسه این نقش را کامل می‌کند. هویت شکست از زمان ورود به مدرسه شروع می‌شود؛ چرا که در مدارس ما این دو نیاز اساسی ارضا نمی‌شوند. یعنی، روابط محبت‌آمیزی که باید بین کارکنان مدرسه و دانش‌آموزان وجود داشته باشد، وجود ندارد (گلاس، ۱۳۷۳). گلاس نظریه پرداز معاصر، که ارائه دهنده نظریه واقعیت‌درمانی یا انتخاب^۲ است، معتقد است که دانش‌آموزان معمولاً در مدرسه موفق نیستند؛ زیرا مدرسه از نظر آن‌ها جایی نیست که نیازهای اساسی‌شان برآورده شود. بنابراین باید از طریق یادگیری مشارکتی نیازهای اساسی آنان ارضا شود (پروت و برون، ۱۹۹۶). در این رویکرد با تکیه بر مفاهیم اساسی همچون مسئولیت‌پذیری و انتخاب رفتار درست به رفع مشکلات افراد کمک می‌شود. واقعیت‌درمانی ساختاری را برای کمک به دانش‌آموزان ارائه می‌دهد تا به‌طور اثربخشی بتوانند نیازهایشان را رفع کنند و از احساس تعلیق، موفقیت، تفریح یا لذت، استقلال یا آزادی و بقا برخوردار شوند (کرسینی و ودینگ، ۱۹۹۵).

در این باره آموزش و پرورش باید به گسترش و توسعه مدارس اقدام کند که دانش‌آموزان در آن موفق‌ترند. سیستم آموزشی باید به گونه‌ای باشد که در آن نیل به موفقیت نه تنها ممکن بلکه عملی باشد. در این میان توجه به دانش‌آموزان هنرستان‌های کارودانش از اهمیت خاصی برخوردار است. ناکامی‌های تحصیلی در این نوجوانان، هویت شکست را در آنان نهادینه کرده است. آنان نتوانسته‌اند در طول دوران تحصیل برای خویشتن تصویری رضایت‌بخش، روشن و امیدآفرین به‌دست آورند و در بسیاری از موارد اجتناب از ترک تحصیل تنها انگیزه آنان برای ورود به این هنرستان‌هاست. آنان به آینده تحصیلی و شغلی خود چندان امیدوار نیستند. هم‌زمان شدن این تنش‌ها با دوره میانی نوجوانی به نوبه خود تعارضات و تنش‌هایی را به همراه دارد که پیامد آن‌ها جز تشدید بحران هویت، به مخاطره افتادن سلامت روان و کاهش عملکرد تحصیلی نیست.

پیشینه پژوهش

- حسن پور (۱۳۸۴) در پژوهشی اثربخشی مشاوره گروهی به روش واقعیت‌درمانی را بر کاهش بحران هویت دانش‌آموزان دختر و پسر شهر شاهرود بررسی کرده است. آزمودنی‌ها در این پژوهش ۱۶ دختر و ۱۶ پسر بودند که براساس آزمون پرسش‌نامه شخصی هویت بیشترین بحران را نشان می‌دادند. نتایج نشان داد مشاوره گروهی با رویکرد واقعیت‌درمانی باعث کاهش بحران هویت دانش‌آموزان شده است.

- کلانتر هرمز (۱۳۸۴) نیز در پژوهش خود به بررسی مشاوره گروهی مبتنی بر واقعیت‌درمانی گلاس بر بحران هویت دختران دانش‌آموز در معرض خطر دبیرستان‌های منطقه ۸ تهران پرداخته است. همچنین اثربخشی این رویکرد در رفع معیارهای ایجادکننده اختلال هویت از جمله اشکال در هدفمندی و تعیین اهداف بلندمدت، نداشتن نگرش مثبت نسبت به خود، عدم توجه به ارزش‌های اخلاقی، نداشتن وفاداری گروهی، رفتارهای نامناسب جنسی، عدم کسب هویت مذهبی و تردید در مورد انتخاب شغل نیز بررسی شده است. جامعه آماری این تحقیق دختران دانش‌آموز سال اول و دوم دبیرستان‌های دولتی شهر تهران بوده‌اند. این دو دبیرستان به روش تصادفی ساده انتخاب شدند و در دو گروه آزمایش و گواه قرار گرفتند. پس از قرار گرفتن گروه آزمایش در معرض متغیر مستقل مشاهده شد که بین دختران در معرض خطر که مشاوره گروهی را دریافت کرده‌اند، با آنانی که این مشاوره را دریافت نکرده‌اند، تفاوت معناداری وجود دارد.

گلاس (۲۰۰۲) پژوهشی را با عنوان تأثیر نظریه انتخاب و اصول مدرسه کیفی^۵ بر دانش‌آموزان و کارکنان مدرسه انجام داده است. او این پژوهش را روی تمامی دانش‌آموزان و کارکنان مدرسه انجام داد و به این نتیجه رسید که با اجرای این نظریه و اصول مدرسه کیفی می‌توان به دانش‌آموزان مخصوصاً شکست‌خورده کمک کرد تا به موفقیت تحصیلی دست یابند.

- امیزو، اسلوییک و همیت^۶ (۱۹۸۷) تأثیرات واقعیت‌درمانی را بر منبع کنترل و مفاهیم خود نوجوانان مکزیکی - آمریکایی بررسی کردند. در این پژوهش ۲۶ آزمودنی تحت آموزش واقعیت‌درمانی قرار گرفتند و ۳۰ آزمودنی این آموزش را دریافت نکردند. تحلیل واریانس چند متغیری نشان داد که آزمودنی‌های گروه آزمایش به‌طور معناداری نمرات بالاتری در علاقه تحصیلی، رابطه دوستانه



مدرسه یک کلاس به گونه تصادفی گزینش شد و پرسش‌نامه هویت شخصی و سلامت عمومی بر روی همه آنان اجرا شد. پس از انتخاب آزمودنی‌ها این روش هدفمند آنان به گونه تصادفی با روش زوج - فرد در دو گروه آزمایش و کنترل قرار گرفتند. سپس در طول ۱۰ جلسه که مدت هر جلسه یک ساعت و نیم تعیین شده بود، گروه‌های آزمایش در معرض متغیر مستقل مشاوره گروهی با رویکرد واقعیت‌درمانی قرار گرفتند و گروه‌های کنترل دست‌نخورده باقی ماندند. در پایان جلسه دهم پرسش‌نامه هویت شخصی و سلامت عمومی به‌طور هم‌زمان بر روی همه گروه‌ها اجرا شد.

برنامه مداخله و اجرای متغیر مستقل

جلسه اول: آشنایی اعضای گروه با یکدیگر، برقراری ارتباط عاطفی، آشنایی با هدف‌ها، ویژگی‌ها و قوانین حاکم بر گروه بر مبنای نظریه گلاسر
جلسه دوم: شناخت نیازها و خواسته‌های اساسی اعضا براساس رویکرد واقعیت‌درمانی گلاسر (کاوش در خواسته‌ها، نیازها و برداشت‌ها باید در طول فرایند درمان ادامه یابد).
جلسه سوم: ادامه کاوش در دنیای ذهنی آزمودنی‌ها، متوجه ساختن آن‌ها نسبت به مسئله کنترل و انتخاب رفتار و پذیرش مسئولیت رفتارهای انتخابی
جلسه چهارم: توجه دادن آزمودنی‌ها به داشتن هدف در زندگی، داشتن روحیه‌ای هدفمند و امیدوار بودن به آینده
جلسه پنجم: بررسی نگرش اعضا نسبت به جنسیت خود و ایجاد زمینه مناسب برای کسب هویت مثبت جنسی و پذیرش مسئولیت درباره نقش‌های جنسیتی خود
جلسه ششم: آشنا کردن آزمودنی‌ها با چگونگی برقراری روابط

و میزان خلاقیت و نمرات پایین‌تری در اضطراب کسب کردند. این آزمودنی‌ها از نظر منبع کنترل تفاوت معناداری نداشتند.

- در پژوهشی دیگر امیزو و کابرلی^۷ (۱۹۸۴) تأثیر کلاس واقعیت‌درمانی را بر مفهوم خود و منبع کنترل دانش‌آموزانی که اختلال یادگیری دارند، بررسی کرده‌اند. در این پژوهش ۶۰ کودک مبتلا به اختلال یادگیری به‌طور تصادفی به دو گروه آزمایش و کنترل تقسیم شدند.

معلم‌ان دانش‌آموزان گروه آزمایش به‌وسیله درمانگران واقعیت‌درمانی در مورد مفاهیم واقعیت‌درمانی و نحوه اداره کلاس براساس این مفاهیم آموزش دیدند. در نهایت، ابعاد مفهوم خود و منبع کنترل آزمودنی‌ها بررسی و تفاوت‌های با معنایی بین دو گروه آزمودنی دیده شد.

جامعه و روش پژوهش

جامعه مورد مطالعه در این پژوهش تمامی دانش‌آموزانی بودند که در یکی از هنرستان‌های دخترانه منطقه شانزده آموزش و پرورش شهر تهران در سال تحصیلی ۹۰-۹۱ مشغول به تحصیل بودند و در دامنه سنی ۱۶-۱۵ سال قرار داشتند. این طرح پژوهش از نوع شبه‌آزمایشی بود و ۳۴ شرکت‌کننده آن پیش و پس از برگزاری جلسات واقعیت‌درمانی به پرسش‌نامه هویت شخصی و سلامت عمومی پاسخ دادند.

در این پژوهش، به منظور انتخاب مدرسه مورد مطالعه از روش نمونه‌گیری تصادفی استفاده شد. ابتدا از میان هنرستان‌های دخترانه واقع در آموزش و پرورش منطقه شانزده تهران، ۴ هنرستان (۲ هنرستان کار دانش و ۲ هنرستان فنی و حرفه‌ای) سپس از هر



تجزیه و تحلیل استنباطی داده‌ها فرضیه اول:

مشاوره گروهی با رویکرد واقعیت‌درمانی بر بحران هویت دانش‌آموزان دختر هنرستان مؤثر است.

نتایج جدول ۳ حاکی از آن است که پس از تعدیل نمرات پیش‌آزمون، اثر معنادار عامل بین آزمودنی‌های گروه وجود داشت و میزان بحران هویت گروه آزمایشی پس از اجرای

جدول ۳: خلاصه آزمون تحلیل کوواریانس متغیر بحران هویت

متغیر	مجموع مجزورات	درجه آزادی df	F	سطح معناداری	توان مشاهده شده	مجزورات
بحران هویت	۲۵۷/۳۱۲	۱	۲۴/۳۶۵	۰/۰۰۱	۰/۹۹۸	۰/۲۷۳

مشاوره گروهی ۸/۳۰۵ با رویکرد واقعیت‌درمانی با میزان بحران هویت گروه کنترل ۱۲/۱۹۵ کاهش معناداری به لحاظ آماری نشان می‌دهد، ($p=0/001$)؛ لذا مشاوره گروهی با رویکرد واقعیت‌درمانی بر بحران هویت دانش‌آموزان مؤثر بوده است.

فرضیه دوم:

مشاوره گروهی با رویکرد واقعیت‌درمانی بر سلامت عمومی دانش‌آموزان دختر هنرستان مؤثر است.

نتایج جدول ۴ حاکی از آن است که پس از تعدیل نمرات پیش‌آزمون، اثر معنادار عامل، بین آزمودنی‌های گروه وجود داشت و میزان وخامت سلامت عمومی گروه آزمایشی پس از اجرای مشاوره

جدول ۴: خلاصه آزمون تحلیل کوواریانس متغیر سلامت عمومی

متغیر	مجموع مجزورات	درجه آزادی df	F	سطح معناداری	توان مشاهده شده	مجزورات
سلامت عمومی	۱۴۴۱/۳۲۴	۱	۲۰/۶۰۸	۰/۰۰۱	۰/۹۹۴	۰/۲۴۱

گروهی با رویکرد واقعیت‌درمانی ۲۲/۳۶۵ در مقایسه با میزان وخامت سلامت عمومی گروه کنترل ۳۱/۵۷۶ کاهش معناداری به لحاظ آماری نشان می‌دهد، ($p=0/001$)؛ لذا مشاوره گروهی با رویکرد واقعیت‌درمانی بر سلامت عمومی دانش‌آموزان مؤثر بوده است.

براساس نتایج تحلیل کوواریانس، مشاوره گروهی با رویکرد واقعیت‌درمانی در مرحله پس‌آزمون باعث کاهش معنادار وخامت سلامت عمومی و کاهش معنادار بحران هویت در گروه آزمایشی شده است.

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش با دیدگاه گلاسز درباره تأثیر مشاوره گروهی بر کسب هویت توفیق همچنین بهبود سلامت عمومی نوجوانان هماهنگی دارد. به عبارت دیگر، مشاوره گروهی با رویکرد واقعیت‌درمانی بر بحران هویت دانش‌آموزان دختر هنرستانی مؤثر بوده و سلامت روان آنان را نیز بهبود بخشیده است. این نتیجه در

صمیمانه با دیگران (خانواده، همسالان و دوستان و معلمان) به منظور تقویت روابط بین فردی و هویت اجتماعی جلسه هفتم: جلب توجه آزمودنی‌ها به اهمیت تحصیل و پیامدهای مثبت و منفی موفقیت و یا شکست تحصیلی جلسه هشتم: آشنایی آزمودنی‌ها با چگونگی برنامه‌ریزی تحصیلی، لزوم برنامه‌ریزی و تأثیر آن در رسیدن به اهداف آینده جلسه نهم: آشنا ساختن آزمودنی‌ها با روش‌های صحیح مطالعه و درس خواندن جلسه دهم: جلب توجه آزمودنی‌ها به اهمیت شغل و اشتغال و تأثیرات آن در زندگی

نتایج پژوهش

تحلیل توصیفی داده‌ها

جدول (۱) آماره‌های توصیفی شامل میانگین، انحراف استاندارد و واریانس متغیر بحران هویت را در مراحل پیش‌آزمون و پس‌آزمون در دو گروه آزمایش و کنترل نشان می‌دهد.

نتایج جدول ۱ نشان می‌دهد میانگین نمرات هویت شخصی برای گروه آزمایش در پس‌آزمون ۸/۲۹ و میانگین نمرات هویت شخصی

جدول ۱: آماره‌های توصیفی متغیر بحران هویت

آزمون	گروه‌ها	تعداد نمونه	میانگین	انحراف استاندارد	واریانس
پیش‌آزمون	آزمایش	۳۴	۱۱/۳۲	۴/۷۷۲	۲۲/۷۷۱
	کنترل	۳۴	۱۱/۳۵	۵/۲۷۹	۲۷/۸۷۲
پس‌آزمون	آزمایش	۳۴	۸/۲۹	۴/۱۵۳	۱۷/۲۴۴
	کنترل	۳۴	۱۲/۲۱	۵/۴۷۶	۲۹/۹۸۷

برای گروه آزمایش در پیش‌آزمون ۱۱/۳۲ است. به این معنا که میانگین نمره دانش‌آموزان در پیش‌آزمون و پس‌آزمون متفاوت بوده و میانگین نمره آن‌ها در پس‌آزمون کمتر از پیش‌آزمون است. جدول (۲) آماره‌های توصیفی شامل میانگین، انحراف استاندارد و واریانس متغیر سلامت عمومی را در مراحل پیش‌آزمون و پس‌آزمون در دو گروه آزمایش و کنترل نشان می‌دهد.

نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد میانگین نمرات وخامت سلامت عمومی برای گروه آزمایش در پس‌آزمون ۲۲/۶۵ و میانگین نمرات وخامت

جدول ۲: آماره‌های توصیفی متغیر سلامت عمومی

آزمون	گروه‌ها	تعداد نمونه	میانگین	انحراف استاندارد	واریانس
پیش‌آزمون	آزمایش	۳۴	۳۱/۳۵	۱۶/۳۸۲	۲۶۸/۳۵۷
	کنترل	۳۴	۳۰/۶۲	۱۳/۸۰۶	۱۹۰/۶۰۷
پس‌آزمون	آزمایش	۳۴	۲۲/۶۵	۱۳/۳۹۶	۱۷۹/۴۴۷
	کنترل	۳۴	۳۱/۲۹	۱۵/۰۹۷	۲۲۷/۹۱۱

سلامت عمومی برای گروه آزمایش در پیش‌آزمون ۳۱/۳۵ است؛ به این معنا که میانگین نمره دانش‌آموزان در پیش‌آزمون و پس‌آزمون متفاوت بوده و میانگین نمره آن‌ها در پس‌آزمون کمتر از پیش‌آزمون است.



مهم‌تر از همه اینکه گروه به نوجوانان این فرصت را می‌دهد که خودشان را ابراز کنند و به حرف‌هایشان گوش داده شود و با سایر همسالان تعامل داشته باشند (کوری و کوری، ۱۳۸۵). یافته‌های این پژوهش اثربخش بودن مشاوره گروهی با رویکرد واقعیت‌درمانی را بر کاهش بحران هویت نوجوانان، همچنین تأمین بهداشت روانی آنان تأیید می‌کند. بر این اساس پیشنهاد می‌شود اصول و چگونگی به‌کارگیری این رویکرد نه فقط به مشاوران مدارس بلکه به تمام معلمان و کسانی که با دانش‌آموزان در ارتباطند، به‌صورت برنامه‌های ضمن خدمت آموزش داده شود.

پی‌نوشت‌ها

1. Glasser
2. Choice Theory
3. Prout & Brown
4. Corsini & Wedding
5. Quality school
6. Carl Aslowick, Victoria Hammett
7. Michael Omizo & Walter Cubberly

منابع

۱. ربانی، جعفر؛ **هویت ملی**، انتشارات انجمن اولیا و مربیان، تهران، ۱۳۸۱.
۲. حسن‌پور، محمدحسن؛ «اثربخشی مشاوره گروهی به روش واقعیت‌درمانی بر کاهش بحران هویت دانش‌آموزان دختر و پسر دبیرستان‌های شهر شاهرود»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۸۴.
۳. کلاتر هرمز، آتوسا؛ «اثربخشی مشاوره گروهی مبتنی بر واقعیت‌درمانی گلاسر بر بحران هویت دانش‌آموزان در معرض خطر شهر تهران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۸۴.
۴. کوری و کوری، ۴۴۴، مترجمان: نقشبندی و ۴۴۴.
۵. گلاسر، ویلیام؛ **مدارس بدون شکست**، ترجمه ساده حمزه، انتشارات رشد، تهران، ۱۳۷۳.
۶. گلاسر، ویلیام؛ **واقعیت‌درمانی**، ترجمه محمد هوشمند ویژه، انتشارات خجسته، تهران، ۱۳۷۹.
7. Corsini, Raymond J. & Wedding, Danny (1995). Current psychologies, f. e. PeacockPublisher Inc.
8. Glasser, William (2002). Choice therapy, institute glasser. . <http://www.wglasser.com>
9. Omizo, Michael, Slowick, carol & Hammet, Victoria (1987). The effect of reality therapy on locus of control among Mexicans Americans adolescence, Journal of reality therapy, vol 3.
10. Prout, thompson & Brown, T.Douglas (1996). Counseling & Psycho therapy with children & adolescents, copping by John Wiley sons, published simultaneous in Canada.

جهت دیدگاه گلاسر و سایر پژوهش‌هایی است که در این زمینه انجام شده است. براساس نظریه گلاسر به دلیل فرصتی که برای برقراری روابط با دیگران علاوه بر درمانگر در گروه به‌وجود می‌آید، محیط اجتماعی گروه به مقدار زیاد می‌تواند به مراقبت و درگیری عاطفی عمیق ببخشد. اعضای گروه هم یکدیگر را حمایت می‌کنند و هم مبارزه‌ای صادقانه برای نگرستن به زندگی شخصی دارند. جو غیرتنبیهی گروه می‌تواند خویشتن‌پذیری و میل به ارائه طرح‌های ویژه را برای رفتار بهتر ایجاد کند (گلاسر، ۱۹۷۶).

یافته‌های این پژوهش همچنین با نظر اشنایدر کوری و جرال کوری همسوست. آن‌ها معتقدند گروه برای نوجوان زمینه‌ای فراهم می‌سازد تا احساس‌های تعارض‌برانگیزشان را تشخیص دهند؛ تجربه کنند و دریابند که در کشمکش‌ها تنها نیستند؛ آزادانه آن دسته از ارزش‌هایی را که تصمیم به اصلاح آن گرفته‌اند، زیر سؤال ببرند؛ برقراری ارتباط با همسالان و بزرگسالان را بیاموزند؛ از الگوهای ارائه شده به وسیله رهبران مسألی را بیاموزند و یاد بگیرند که چگونه آنچه را دیگران پیشنهاد می‌کنند، بپذیرند. گروه مکانی را مهیا می‌سازد که نوجوانان در آن با آرامش می‌توانند با واقعیت روبه‌رو شوند و محدودیت‌هایشان را بیازمایند.